گزارش

### شکست دموکرات‌ها در مهار اختیارات نظامی رئیس‌جمهور آمریکا

## از ویتنام تا ایران؛ میراث قانون اختیارات جنگی

**شرق:** سنای آمریکا در روزهای گذشته صحنه یکی از حساس‌ترین مناقشات سیاسی خود در سال‌های اخیر بود. در حالی که آمریکا هنوز از تبعات حملات هوایی به سایت‌های هسته‌ای ایران خارج نشده و فضای منطقه‌ای با یک آتش‌بس شکننده به آرامشی نسبی رسیده است، تلاش دموکرات‌ها برای محدودکردن اختیارات رئیس‌جمهور ترامپ در زمینه حملات نظامی به ایران ناکام ماند. این رویداد، بار دیگر مرزهای قدرت در نظام سیاسی آمریکا را به چالش کشید و پرونده مناقشه‌برانگیز «قانون اختیارات جنگی» را به صدر اخبار آورد. تلاش سناتور تیم کین، دموکرات کهنه‌کار اهل ویرجینیا، برای تصویب قطع‌نامه‌ای که رئیس‌جمهور را ملزم می‌کرد پیش از هرگونه اقدام نظامی جدید علیه ایران مجوز کنگره را کسب کند، با مخالفت قاطع جمهوری‌خواهان شکست خورد. این در حالی بود که ترامپ پیش‌تر در پاسخ به خبرنگاران اعلام کرده بود: «اگر لازم بدانم، دوباره بدون هیچ تردیدی حمله خواهم کرد». همین رویکرد صریح، اختلافات عمیق در واشنگتن را آشکارتر کرد. جمهوری‌خواهان با تکیه بر اکثریت شکننده ۵۳-۴۷ در سنا، استدلال کردند که تهدید ایران علیه آمریکا فوری و جدی بوده و رئیس‌جمهور باید امکان تصمیم‌گیری مستقل و فوری در شرایط بحرانی را داشته باشد. سناتور بیل هگرتی، از چهره‌های شاخص حزب جمهوری‌خواه تأکید کرد: «ما نمی‌توانیم دست رئیس‌جمهور را ببندیم، آن‌هم وقتی جان انسان‌ها در خطر است». در مقابل، دموکرات‌ها معتقد بودند هیچ توجیه قانع‌کننده‌ای برای دورزدن کنگره وجود ندارد و ورود آمریکا به هرگونه درگیری نظامی باید با اجماع سیاسی و شفافیت انجام شود. سناتور کین با اشاره به تجربه‌های پرهزینه جنگ عراق هشدار داد: «نباید فرزندان خود را به جنگ بفرستیم، مگر اینکه ملت، پشت این تصمیم ایستاده باشد».

### جدال بر سر مرزهای اختیارات

این رویارویی سیاسی ریشه‌هایی عمیق‌تر دارد که به دهه‌ها پیش بازمی‌گردد. طبق قانون اساسی آمریکا، اعلان جنگ وظیفه کنگره و رهبری ارتش بر عهده رئیس‌جمهور است. اما پس از تجربه تلخ ویتنام، قانون اختیارات جنگی ۱۹۷۳ برای مهار قدرت رئیس‌جمهور در ورود به جنگ‌های خارجی تصویب شد و تصریح کرد که رئیس‌جمهور باید «در هر فرصت ممکن» با کنگره مشورت کند. با وجود این، رؤسای جمهور آمریکا بارها با استناد به اختیارات اجرائی خود، نیروهای آمریکایی را درگیر مناقشات خارجی کرده‌اند. میچ مک‌کانل، رئیس کمیته اعتبارات دفاعی سنا، در مخالفت با قطع‌نامه کین نمونه‌هایی از عملیات‌های محدود توسط رؤسای جمهور دموکرات در کوزوو، لیبی، سوریه و یمن را یادآور شد و تلاش برای محدودکردن رئیس‌جمهور را «انزواطلبانه» و «خودسرانه» دانست. در این میان، سناتور رند پاول، جمهوری‌خواه اهل کنتاکی، به‌ندرت در کنار دموکرات‌ها ایستاد و از قطع‌نامه حمایت کرد. سناتور جان فترمن، تنها دموکراتی بود که با تأکید بر حمایت از اسرائیل و تصمیم ترامپ، با هم‌حزبی‌هایش مخالفت کرد. این اختلاف‌نظرها نشان داد که چالش اختیارات جنگی در آمریکا، به مرزهای حزبی محدود نمی‌شود و هر دوره‌ای با شرایط جدید باید دوباره ارزیابی شود.

### فرصتی برای بازتعریف نقش کنگره؟

تصویب قطع‌نامه کین زمانی مطرح شد که آتش‌بسی ناپایدار بین ایران و اسرائیل با میانجیگری قطر برقرار شده بود. به باور حامیان قطع‌نامه، این آتش‌بس مجالی ایجاد می‌کرد تا آمریکا، خارج از فضای التهاب و بحران، نقش و مسئولیت کنگره در تصمیمات نظامی را به بحث بگذارد و تجربه‌های تلخ گذشته مانند اعطای شتاب‌زده اختیارات جنگ عراق به جورج بوش تکرار نشود. کین در صحن سنا تأکید کرد: «اتفاقات روزهای اخیر نشان داد که جنگ، تصمیمی نیست که بتوان آن را به یک نفر سپرد».

در مقابل، حامیان ترامپ بر این باور بودند که تصمیم رئیس‌جمهور برای حمله به ایران هم با قانون اساسی همخوان است و هم با ملاحظات امنیت ملی. آنها معتقد بودند که ضربه محدود و هدفمند به تأسیسات هسته‌ای ایران، واکنشی منطقی و بازدارنده به تهدیدات فوری ایران علیه منافع آمریکا و متحدانش بود. ترامپ نیز در نامه‌ای به کنگره اعلام کرد حملاتش «محدود، هدفمند و با هدف بازدارندگی، کاهش خطر تلفات و جلوگیری از تشدید بحران» انجام شده است. با این حال، برخی نمایندگان دموکرات مانند جیم هایمز، رئیس کمیته اطلاعاتی مجلس، پس از جلسات توجیهی محرمانه، تأکید کردند شواهدی دال بر وجود تهدید فوری دیده نشده و شرایط نسبت به هفته‌های قبل تفاوت چشمگیری نداشته است.

### آینده مبهم

شکست قطع‌نامه سنای آمریکا، نشانه‌ای از برتری منافع حزبی و راهبردی در نظام سیاسی این کشور است. تلاش مشابه سناتور کین در سال ۲۰۲۰ نیز با نتیجه‌ای مشابه همراه شد؛ اگرچه آن زمان هشت جمهوری‌خواه با دموکرات‌ها همراه شدند، اما این بار حتی سناتور تاد یانگ، از همراهان سابق، با توجه به شرایط جدید و تأکید ترامپ بر جلوگیری از گسترش بحران، مخالفت خود را اعلام کرد. او معتقد بود تا زمانی که دولت به دنبال تشدید تنش نباشد، نیازی به محدودسازی اختیارات رئیس‌جمهور نیست، اما در صورت تغییر شرایط باید کنگره وارد عمل شود. در حال حاضر، آتش‌بس میان ایران و اسرائیل، هرچند شکننده و پرتنش است، اما به هر حال فضایی برای آغاز احتمالی مذاکرات جدید میان آمریکا و ایران ایجاد کرده؛ موضوعی که هنوز هیچ جدول زمانی یا جزئیات مشخصی برای آن اعلام نشده است. هم‌زمان، تنش‌های لفظی میان مقام‌های ارشد دو کشور ادامه یافته و هر دو طرف نسبت به تکرار حملات یا تشدید تنش هشدار داده‌اند. سناتورهای آمریکایی و تحلیلگران سیاسی تأکید می‌کنند که جدال بر سر اختیارات جنگی رئیس‌جمهور و نقش کنگره در ورود به مناقشات نظامی، یکی از جدی‌ترین و پرچالش‌ترین موضوعات سیاست خارجی ایالات متحده است؛ موضوعی که هر بار با وقوع بحران‌های بزرگ، دوباره به صدر اولویت‌های واشنگتن بازمی‌گردد و لزوم اجماع ملی و شفافیت تصمیم‌گیری را گوشزد می‌کند. پرونده اختیارات جنگی رئیس‌جمهور و نقش کنگره در سیاست خارجی آمریکا همچنان باز است. ناکامی سنای آمریکا در کنترل اختیارات ترامپ، ضمن آنکه هم‌گرایی و انسجام جمهوری‌خواهان را نشان داد، یک بار دیگر این سؤال اساسی را مطرح کرد که مرز تصمیم‌گیری درباره صلح و جنگ کجاست و چه زمانی باید مسئولیت را به رأی و اراده ملی سپرد؟ تجربه اخیر بار دیگر ثابت کرد تصمیم برای جنگ در آمریکا نه‌تنها یک مسئله حقوقی، بلکه جدالی تمام‌عیار میان سیاست، امنیت و قانون است.

### تهران - مسکو؛ وقتی شراکت استراتژیک رنگ می‌بازد

# روسیه تماشاگر یا متحد؟

**شرق:** در آغاز سال جاری میلادی، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، میزبان همتای ایرانی خود در کرملین بود تا سندی برای مشارکت استراتژیک میان دو کشوری امضا کنند که طی یک دهه گذشته، در تضعیف نظم جهانی به رهبری آمریکا، همکاری نزدیکی داشته‌اند. اما اکنون، پس از ۱۲ روز بمباران سنگین اسرائیل و آمریکا در ایران، این اتحاد عملا دستاوردی برای تهران به همراه نداشته است.

پوتین در دیدار اخیر با عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، حملات آمریکا را «بی‌دلیل و غیرموجه» خواند و بر تمایل روسیه به حمایت از مردم ایران تأکید کرد. با این حال، در اظهارات عمومی خود هیچ اشاره‌ای به کمک نظامی نکرد و در عوض پیشنهاد داد دو کشور برای یافتن راه خروج از بحران با هم گفت‌وگو کنند. پوتین گفت: «این فرصتی است تا با هم بیندیشیم که چگونه می‌توان از این وضعیت خارج شد». در حالی که حملات اسرائیل به برنامه هسته‌ای، موشکی و فرماندهان ارشد نظامی ایران ادامه داشت و آمریکا نیز با بمب‌های سنگین خود به این حملات پیوست، حمایت روسیه و چین از تهران صرفا به سطح شعارهای سیاسی محدود شد. همین فاصله میان سخن و عمل، واقعیت را عیان‌تر کرد؛ شراکتی که در بزنگاه‌های حساس، بیش از آنکه بر تعهدات استوار باشد، مبتنی بر منافع متغیر هر طرف است. همکاری روسیه و ایران در یک دهه گذشته، بارها منافع غرب را در اروپا و خاورمیانه به چالش کشیده است؛ ازجمله در سوریه، جایی که دو کشور با هدف بقای بشار اسد دست به همکاری زدند. پس از آغاز حمله روسیه به اوکراین، ایران نقش مهمی در تقویت توان نظامی مسکو ایفا کرد. با این حال، به باور تحلیلگران، بعید است روسیه متقابلا در شرایط کنونی به یاری تهران بشتابد. قرارداد شراکت استراتژیک اخیر ایران و روسیه، هرچند موجب تقویت همکاری‌های اطلاعاتی و منع طرفین از کمک به دشمنان یکدیگر شد، اما شامل هیچ بند دفاع جمعی نبود. به همین دلیل، حتی با مطرح‌شدن درخواست تهران برای حمایت متقابل یا واکنش به حملات آمریکا، روسیه حاضر به ورود عملی به میدان نشد.

نیکلای کوژانوف، استاد دانشگاه قطر و کارشناس روابط ایران و روسیه، در گفت‌وگو با وال‌استریت ژورنال تأکید می‌کند: «ایران می‌تواند از روسیه درخواست حمایت کند، اما مسکو هرگز چنین نقشی را نخواهد پذیرفت». دلیل این امتناع، گرفتارشدن روسیه در جنگ اوکراین و آسیب‌پذیری شدید در برابر تحریم‌های غرب است. پوتین نه‌تنها مایل به تشدید درگیری در خاورمیانه نیست، بلکه می‌کوشد روابط شکننده خود با اسرائیل و دونالد ترامپ را حفظ کند؛ به‌ویژه آنکه ترامپ، با وجود فشارهای غرب، تمایلی به تشدید تحریم‌ها علیه روسیه نشان نداده است.

برای تهران، تکرار این سناریو تازگی ندارد. پس از حمله حماس به اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۳، دولت ایران اعلام کرد قراردادی با مسکو برای خرید جنگنده‌های سوخو-۳۵، بالگردهای تهاجمی Mi-28، سامانه پدافند هوایی S-400 و جت‌های آموزشی Yak-130 منعقد کرده است. با این حال، به‌جز جت‌های آموزشی، هیچ‌کدام از تجهیزات وعده داده‌شده، تحویل داده نشد. بنا بر گزارش کارشناسان، مشکلات تولیدی در روسیه و فشار دیپلماتیک دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس و احتمالا تل‌آویو و واشنگتن، کرملین را به تعویق تحویل این فناوری‌ها واداشت.

نمونه‌ای دیگر، نابودی برخی از پیشرفته‌ترین سامانه‌های دفاع هوایی ایران توسط اسرائیل در پاییز سال گذشته بود؛ تجهیزاتی که پیش‌تر روسیه در اختیار تهران قرار داده بود اما پس از آن، روسیه یا قادر به جایگزینی این سامانه‌ها نشد یا تمایلی به انجام این کار نداشت. در دیدار اخیر با پوتین، عباس عراقچی خواستار تحویل سامانه‌های دفاع هوایی جدید و کمک برای بازسازی شبکه انرژی هسته‌ای ایران شد، اما روسیه همچنان واکنشی عملی نشان نداد. پوتین در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره عدم ارسال تجهیزات به ایران گفت علاقه تهران به خرید تجهیزات روسی کاهش یافته و ایران درخواست مشخصی برای کمک جدید مطرح نکرده است: «واقعا چیزی برای بحث وجود ندارد».

ایران تنها کشوری نیست که در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز، با سردی و بی‌تفاوتی مسکو مواجه شده است؛ ارمنستان که با روسیه پیمان دفاع جمعی دارد، در جریان حملات جمهوری آذربایجان به قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ هیچ کمکی از جانب مسکو دریافت نکرد و همین ماجرا به چرخش راهبردی ایروان به سوی آمریکا انجامید. در سوریه نیز پس از سقوط بشار اسد، پوتین صرفا به اعطای پناهندگی به او و خانواده‌اش بسنده کرد.

فابریس پوتیه، مشاور سابق ناتو، دراین‌باره می‌گوید: «روسیه به اندازه‌ای که نشان می‌دهد، دوست خوبی نیست؛ پوتین اغلب در زمان نیاز، به دوستان خود پشت می‌کند».

به‌جای حمایت عملی از ایران، پوتین تلاش دارد خود را به عنوان میانجی احتمالی در بحران مطرح کند؛ هرچند ترامپ این ایده را رد و تأکید کرده پوتین باید ابتدا روی پایان جنگ اوکراین متمرکز شود. در عین حال، برخی تحلیلگران معتقدند جنگ ایران و اسرائیل به نوعی می‌تواند به نفع روسیه تمام شود؛ چراکه افزایش تنش‌ها، قیمت نفت را بالا برده و خزانه پوتین را پرتر و افکار عمومی جهان را از تجاوز نظامی روسیه به اوکراین منحرف می‌کند، به‌ویژه در شرایطی که کرملین آماده حمله تابستانی جدید در اوکراین است.

تینو سن‌انداجی، پژوهشگر ایرانی-سوئدی، تأکید می‌کند: «یک گلایه رایج در ایران این است که روسیه و چین به‌جای آنکه دوستان واقعی باشند، تحریم‌ها و انزوای ایران را بهانه می‌کنند تا منابع طبیعی ارزان‌قیمت بخرند و تسلیحات درجه‌دو را با قیمت بالا بفروشند، آن‌هم تجهیزاتی که گاهی اصلا تحویل داده نمی‌شود».

آندری کورتونوف، دانشمند علوم سیاسی نیز معتقد است اعتبار روسیه به عنوان یک متحد در معرض تهدید جدی قرار دارد. او می‌نویسد: «واقعیت این است که روسیه نتوانست جلوی حمله گسترده اسرائیل به کشوری را بگیرد که پنج ماه پیش با آن قرارداد شراکت استراتژیک امضا کرده بود؛ مسکو آشکارا حاضر نیست فراتر از بیانیه‌های سیاسی پیش برود».

### درباره یک جایزه فرمالیته

# راه صلح از کدام مسیر می‌گذرد؟

**مهسا مژدهی:** توافق‌نامه صلح میان رواندا و کنگو پس از جنگی ۳۰ساله میان این دو کشور آفریقایی، به نام ترامپ تمام شد. این اتفاق را می‌توان نخستین پیروزی ترامپ برای رسیدن به توافقی نوشته‌شده دانست. رئیس‌جمهوری ایالات متحده که با شعار پایان‌دادن به جنگ‌ها به کاخ سفید رفت، با گذشت شش ماه از زمان ریاست‌جمهوری‌اش هنوز نتوانسته موفقیت دیپلماتیک چندانی به نام خود ثبت کند و توافق صلح میان کنگو و رواندا، برای او یک برگ برنده محسوب می‌شود که می‌خواهد هر طور شده آن را به رخ جهان بکشد. او در همان روزی که ماجرای رواندا و کنگو را حل‌وفصل‌شده دانست، مدعی شد که جنگ در غزه هم به‌زودی ممکن است به پایان رسیده و دو طرف به یک توافق‌نامه آتش‌بس دست پیدا کنند.

دونالد ترامپ علاقه وافری دارد تا از او به عنوان آورنده صلح یاد شود. او که به‌تازگی دستور حمله جنگنده‌های آمریکایی را به تأسیسات فردو در ایران صادر کرده و از حمایت نتانیاهو در حمله به ایران دریغ نکرده است، نیم‌نگاهی هم به جایزه صلح نوبل دارد. پیشنهاد نام رئیس‌جمهور آمریکا برای دریافت مهم‌ترین جایزه جهان، پیش از این به دلیل فعالیت‌های او برای جنگ اوکراین یا جلوگیری از درگیری خون‌بار میان هند و پاکستان انجام شده بود اما جدی تلقی نشد یا دست‌کم می‌توان گفت کمتر کسی به غیر از خود ترامپ ماجرا را جدی تلقی کرد.

جوایزی همچون نوبل صلح و پولیتزر که به خبرنگاران تأثیرگذار اعطا می‌شود، در طول دهه‌ها باعث جدل فراوانی شده‌اند. نگاهی به تاریخ می‌گوید حتی آدولف هیتلر هم زمانی از سوی برخی از افراد برای اینکه نوبل را از آن خود کند، کاندیدا شده بود. البته این ماجرا به طنزی تلخ مربوط است. یک عضو پارلمان سوئد پس از آنکه حرف بر سر انتخاب چمبرلین، نخست‌وزیر انگلیس، برای دریافت نوبل صلح پیش آمد، حرف کاندیداتوری هیتلر را پیش کشید و تقریبا به‌سرعت آن را پس گرفت. استالین هم دو بار در دهه ۴۰ میلادی جزء افرادی بود که برای دریافت جایزه صلح پیشنهاد شد. البته شما بهتر از من می‌دانید که این پیشنهاد پس از آن داده شده که او جویی از خون در شوروی به راه انداخت.

کمیته صلح نوبل طی سال‌ها متهم شده که تحت فشارهای سیاسی یا به دلایلی غیر از صلح به افراد تعلق گرفته است. برخی معتقدند همین که شخصیت‌هایی همچون استالین و هیتلر حتی به شوخی نامشان در میان افرادی بوده که لیاقت دریافت جایزه‌ای مرتبط با صلح را داشته‌اند، نشان می‌دهد که پروسه برای دریافت نوبل صلح سازوکار درستی ندارد.

حتی در طول دهه‌ها مردان و زنانی که مفتخر به دریافت نوبل صلح شده‌اند، بعدها مورد انتقادات شدیدی قرار گرفته‌اند. این ماجرا فقط به جایزه صلح نوبل ختم نمی‌شود؛ یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌ها مربوط به جایزه پولیتزری است که خبرنگاری با نام والتر دورانتی آن را در شرایطی برد که مانع از انتشار اخبار جنایت‌های استالین در قلمرو شوروی شده بود. جایزه‌دهندگان به دورانتی، سال‌ها بعد و حتی وقتی مشخص شد او چه نقش پررنگی در ساکت‌کردن خبرنگاران مستقل در مسکو داشته است، جایزه‌اش را پس نگرفتند.

یکی از مشهورترین موارد درباره جایزه نوبل صلح و تنش‌های پس از آن مربوط به جایزه‌ای است که به هنری کیسینجر داده شد. او در دهه ۷۰ میلادی وزیر خارجه ایالات متحده بود و در سال ۱۹۷۳ نوبلش را به همراه له توک تو، سیاست‌مدار ویتنامی، دریافت کرد. کیسینجر جایزه را به دلیل توافق‌نامه پاریس گرفت که قرار بود به جنگ ویتنام پایان دهد. اما اتمام جنگ دو سال طول کشید و در واقع توافق پاریس و تلاش‌های کیسینجر آن‌طور که باید و شاید نتوانست به درگیری‌های خون‌بار پایان دهد. کیسینجر بعدها در عملیات نظامی در کامبوج که به کشتار مردم این کشور انجامید، نقش داشت و به دلیل نقشش در کودتا علیه پینوشه در شیلی مورد انتقاد قرار گرفت. مجموع این عوامل باعث شد برخی به این باور برسند که جایزه نوبل پس از آنکه به کیسینجر رسید، شأن خود را از دست داد.

جایزه نوبل صلح در سال ۲۰۰۹ در حالی به اوباما رسید که او پس از بهار عربی برای دخالت نظامی در کشورهای خاورمیانه از هیچ کوششی دریغ نکرد. باراک اوباما این جایزه را به دلیل تلاش فوق‌العاده برای تقویت دیپلماسی بین‌المللی دریافت کرد و در کمتر از پنج سال مشخص شد که توان اداره عملیات‌های نظامی را هم دارد. برخی معتقدند تلاش ترامپ برای اینکه مردی صلح‌طلب به نظر برسد، در واقع رقابتی است که با اوباما در این زمینه احساس می‌کند.

یکی دیگر از این موارد مربوط به نوبل صلح آنگ سان سوچی، چهره میانماری است. او در سال ۱۹۹۱ این جایزه را به دلیل مبارزه بدون خشونت برای رسیدن به دموکراسی دریافت کرد. او که سال‌ها در حبس خانگی بود، نزدیک به سه دهه به عنوان رهبری صلح‌طلب شناخته می‌شد؛ اما وقتی به قدرت رسید، در بحرانی که به روهینگیا مشهور است، عملکردی فاجعه‌بار از خود به نمایش گذاشت. در سال ۲۰۱۷ ارتش میانمار به همراه بودایی‌های افراطی، دست به اعمال خشونت گسترده علیه مسلمانان روهینگیا در ایالت راخین زد. آنگ سان سوچی با وجود فشارها حاضر نشد خشونت گسترده و مرگبار علیه مسلمانان را متهم کرده یا تلاشی برای جلوگیری از آن نشان دهد و یک بار دیگر نشان داد داشتن جایزه صلح نوبل نمی‌تواند راهی برای صلح باز کند.

یادداشت

## بعد از جنگ چه باید کرد؟

### دیپلماسی هوشمند و منعطف

ادامه از صفحه ۴

او دشمنان دیروز را به متحدان امروز تبدیل کرد؛ ازجمله با گشایش روابط تجاری و سیاسی با هلند، انگلستان و جمهوری ونیز و تلاش برای تشکیل ائتلافی ضدعثمانی با قدرت‌های اروپایی.

### نمادسازی تمدنی

پروژه انتقال پایتخت به اصفهان و خلق بناهایی همچون مسجد امام، میدان نقش‌جهان و مدرسه چهارباغ، نمایشی بود از بازسازی «قدرت نرم» ایرانی. معماری و شهرسازی بدل به زبان جدیدی برای بیان اقتدار ملی شد.

در سوی دیگرِ تاریخ، آلمانِ ویران‌شده از جنگ جهانی دوم، در مدت کمتر از یک دهه به یکی از برترین اقتصادهای جهان بدل شد. این معجزه، حاصل مدیریت دوراندیشانه لودویگ ارهارد بود؛ وزیر اقتصادی که باور داشت بازسازی از دل نهادها و «مشارکت عمومی» می‌جوشد.

او با حذف یارانه‌های ناکارآمد، اصلاح نظام مالیاتی و معرفی مارک جدید در سال ۱۹۴۸، زیرساخت یک اقتصاد رقابتیِ با نظارت هوشمند را بنا نهاد. آلمان، به‌جای بازسازی ظاهری، به بازآفرینی نهادی روی آورد. این کشور با پذیرش مشارکت بخش خصوصی، ارتقای اعتماد عمومی و بهره‌گیری از فرهنگ کار و انضباط بومی، الگویی از بازسازی براساس سرمایه اجتماعی ساخت. دانشوران اقتصاد همچون داگلاس نورث در نظریه «نهادها و رشد» (۱۹۹۰) تصریح می‌کنند که رشد و توسعه نه وابسته به منابع، بلکه مرهون نهادهای پاسخ‌گو، پیش‌بینی‌پذیر و منعطف است.

بنا بر تجربه تاریخ، شرط پیروزی کسب پنج گوهر است:

دانش ریشه‌دار و روزآمد
اقتصاد زاینده
دیپلماسی هوشمند و منعطف
سرمایه انسانی شکوفا
نمادهای تمدنی زنده.

بحران نه‌تنها پایان نیست، بلکه می‌تواند آغاز فرصتی طلایی برای بازسازی خلاقانه باشد. به تعبیر یوزف شومپیتر، اقتصاددان برجسته اتریشی، آنچه به پیشرفت می‌انجامد، فرایند «تخریب سازنده» به‌جای تکرار گذشته است؛ نابودی مدل‌های ناکارآمد و جایگزینی آنها با الگوهای نوآور.

در روزهای پسابحران، آنچه بیش از بازسازی فیزیکی اهمیت دارد، «بازسازی معنا و ترسیم افق مشترک» است. برای این مهم، سه اقدام بنیادی و تحقق «حکمرانی مشارکتی» ضرورت دارد:

ساختار سیاست‌گذاری منعطف‌تر شود، نهادهای عمومی ارتقا یابند و مهم‌تر از همه، تمام ظرفیت‌های مردمی با وجود تفاوت‌های ظاهری و سلیقه‌ای، نه در شعار، بلکه در عمل هم‌گرا و شریک حکمرانی شوند.

در این مسیر، «هویت و ملیت ایرانی»، یک فرصت بی‌بدیل است. همان امکانی که در تاریک‌ترین دوره‌های تاریخ، همواره ققنوس‌وار، ایران را از دل خاکستر بیرون کشیده و سیمرغ‌گون به آسمان برافراشته است.

**شرکت توربو توان قشم (سهامی خاص)**

مستنداً به بند ۲ ذیل ماده ۱۰ اساسنامه، سهامداران محترم را به شرکت در مجمع عمومی عادی سالیانه که در ساعت ۸ صبح تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ در محل دفتر هماهنگی شرکت توربوتوان قشم واقع در تهران خیابان شیراز جنوبی خیابان آقاعلیخانی پلاک ۶۰ واحد ۷ برگزار می‌شود، دعوت می‌نماید.

**دستور جلسه:** بررسی و تصویب صورت‌های مالی سال مالی ۱۴۰۳، انتخاب هیات مدیره جدید، انتخاب بازرس اصلی و علی البدل، انتخاب حسابرس و سایر موارد مرتبط.

**هیات مدیره**
**شرکت توربوتوان قشم (سهامی خاص)**

**آگهی فقدان سند مالکیت**

خانم مریم قاسم زاده کشتلی با ارائه دو برگ استشهادیه المثنی که در دفترخانه ۲۸۲ بابل تصدیق امضاء شده و طی درخواست ۱۴۰۴۲۱۷۱۰۰۰۴۰۱۸۹۸۵ مورخ ۰۴ / ۰۴ / ۱۴۰۴ اعلام نمود سند مالکیت ششدانگ پلاک ۱۰۵۷ فرعی از ۳ - اصلی بخش ۶ ثبت بابل با شماره چاپی ۳۰۱۵۹۴ سری ج سال ۰۳ - دفتر الکترونیک ۱۴۰۴۲۰۳۱۰۰۰۴۰۰۵۴۴۹ بنامش صادر و تسلیم گردیده بود در اثر جابجایی مفقود گردیده است. لذا در اجرای ماده ۱۲۰- اصلاحی آیین نامه قانون ثبت و تبصره های ذیل آن در صورتی که تا ۱۰ روز تا انتشار آگهی اعتراضی نرسیده یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشده باشد نسبت به صدور سند المثنی اقدام خواهد شد.

در ضمن برابر اسناد رسمی ۶۶۴۲ مورخ ۲۹ / ۱۱ / ۱۳۹۷ و ۶۵۶۹ مورخ ۱۱ / ۱۱ / ۱۳۹۷ و۸۷۱۳ مورخ ۰۲ / ۰۴ / ۱۳۹۹ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۸۲ گتاب در رهن بانک ملی بابل قرار دارد.

م.الف. ۱۹۵۵۷۸۲

تاریخ انتشار: ۰۸ / ۰۴ / ۱۴۰۴

**سید مهدی حسینی کریمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بابل ۲۱۵۹**

**آگهی دعوت به مجمع سالانه صندوق سرمایه‌گذاری مشترک بورسیران**

از کلیه دارندگان واحدهای سرمایه‌گذاری ممتاز، وکیل یا قائم مقام قانونی آن‌ها دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع این صندوق که در ساعت ۱۰:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ در محل تهران، خیابان ولیعصر، پایین‌تر از پارک ساعی، پلاک ۲۲۴۴ (برج نگین ساعی)، طبقه ۳، واحد ۳۰۸ برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند.

**دستور جلسه مجمع به شرح ذیل می‌باشد.**

۱-استماع گزارش مدیر صندوق راجع به وضعیت و عملکرد صندوق طی سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۲- استماع گزارش حسابرس راجع به صورت‌های مالی و گزارش عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۳-تصمیم‌گیری در خصوص تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۴-انتخاب حسابرس مستقل صندوق برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۵-عیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌ها
سایر مواردی که اخذ تصمیم در مورد آن‌ها در صلاحیت مجمع صندوق است.

**دعوت‌کننده: مدیر صندوق سرمایه‌گذاری مشترک بورسیران (شرکت سبدگردان سورین)**